

یک فعال سیاسی با اشاره به برگزاری تجمعات در هفته‌های اخیر و جمله‌های صورت گرفته علیه سران قوا گفت: به نظر من این جریان از نظر حیات سیاسی آخرین نفس‌هایش را می‌کشد و جریان ورشکسته‌ای است که با داد زدن می‌خواهد بگوید ما هستیم و ورشکسته نیستیم. خیلی به درازا نخواهد کشید که این افراد از منویات مقام معظم رهبری هم عبور خواهند کرد. به نوشته ایننا منصور حقیقت‌پور نماینده سابق مجلس درباره برگزاری تجمعات در روزهای اخیر درباره طرف و صدور حکم اعدام و شعار علیه سران قوا و اینکه آیا این اقدامات می‌تواند باعث بروز ناآرامی در کشور مانند سال ۹۶ شود، گفت: من در توییتی هم خطاب به این آقایان نوشتم و اشاره کردم که آقایان کفن‌پوش که تعدادتان باز هم معادل ظرفیت یک مینی‌بوس نشد، چرا در کفن پوشیدن عجله کردید؟ قدری صبر کنید. قدری صبر لازم است. صبور باشید. وی ادامه داد: این افراد چه عجله‌ای برای پوشیدن کفن دارند؟ مگر می‌شود با تجمع غیرقانونی به غیرقانونی بودن رئیس‌مجموعه راهبردی رئیس‌جمهور اعتراض شود. این‌ها اول قانونی بودن خودشان را ثابت کنند و ثابت کنند که تجمع با یک مینی‌بوس آدم و یک بلندگوی دستی قانونی است و بعد مردم حرف آن‌ها را گوش دهند. این جریان و حلقه که در انتخابات گذشته ورشکسته شد و باخت، بعد از سلطه و سیطره قدرت، در دولت چهاردهم از قدرت پیاده شده‌است. این‌نمایند سابق مجلس تاکید کرده‌اند: قدرت لذت دارد این‌ها حاضر نیستند که این لذت را از دست بدهند و از آن فاصله بگیرند. این‌ها خودشان را در حال غرق شدن می‌بینند لذا به هر اقدامی برای اینکه دیده شوند ورود خواهند کرد، برای اینکه بلندگو در اختیارشان باشد. حقیقت‌پور تصریح کرد: مردم جمهوری اسلامی ایران به این افراد نه باور دارند و نه این‌ها را قبول دارند و نه ایمان دارند. این‌ها در آستانه رفتن به زباله‌دان تاریخ هستند الان هم داد می‌زنند و فریاد می‌زنند و در رسانه و گاهی تریبون‌هایی مثل صدا و سیما در اختیارشان است اما این‌ها متوجه نیستند که نظام تکلیف خودش را با این جریان دارد مشخص می‌کند و این‌ها را به حاشیه می‌برد و خود مردم و نظام دارند این‌ها را کنار می‌زنند و باید به‌هم بزنند. برخی از این‌ها عامل اقداماتی هستند که این اقدامات هزاران میلیارد دلار به جمهوری اسلامی ایران ضربه زده است مانند بالا رفتن از دیوار سفارتخانه‌ها، تحریم‌ها، پاره کردن نجرام، FATF و پالمرو. وی ادامه داد: این افراد باعث انزواي جمهوری اسلامی ایران در جامعه جهانی شده‌اند و اگر در اختیارشان بود دور جمهوری اسلامی ایران را یک دیوار بلندی می‌کشیدند که جمهوری اسلامی ایران به جز افغانستان و روسیه با هیچ کشور دیگری ارتباط نداشته باشد. به نظر من این جریان از نظر حیات سیاسی این‌ها نقش‌هایش را می‌کشد و جریان ورشکسته‌ای است که با داد زدن می‌خواهد بگوید ما هستیم و ورشکسته نیستیم اما این‌ها ورشکسته هستند و مردم از این‌ها عبور کرده‌اند و این‌ها دیگر نمایان در بین مردم رنگی ندارد. این نماینده سابق دولت و حملات و شعارهای این افراد نسبت به سران قوا گفت: خیلی به درازا نخواهد کشید که این افراد از منویات مقام معظم رهبری هم عبور خواهند کرد. رهبری درخصوص آنچه عفاف و حجاب گفته‌اند از فلان مسیر طی شود این‌ها خلاف آن عمل می‌کنند، آقا مخالف طرح استیضاح وزرا در این مقطع از تاریخ هستند، اینها به دنبال آن هستند که این کار انجام شود، آقا دنبال ایجاد وحدت هستند، این‌ها در جاهایی که بلندگو را اختیارشان است، به دنبال ایجاد دودستگی و چنددستگی در کشور هستند. به روشنی مشخص است که این‌ها در بسیار آینده نزدیک به صورت شفاف‌تر از منویات رهبر انقلاب هم عبور خواهند کرد کما اینکه الان هم این کار را کرده‌اند.

پاسداری از امنیت کشور با شناسایی فتنه‌ها

مشاور عالی مقام معظم رهبری اظهار داشت: ما پاسداران نیز با تاسی از ایشان باید با عقلانیت و دیانت به ماموریت‌های خود بپردازیم و با شناسایی فتنه‌های این دوران، برای ایجاد امنیت در مقابل تهاجم بیگانگان، آشوب‌ها و ناآرامی‌ها با عقلانیت و دیانت جمهوری اسلامی دفاع کنیم، سردار سید یحیی رحیم صفوی گفت: از زمان پیامبر اعظم (ص) و حضرت علی (ع) تا دوران حضور ده ساله امام راحل و زعامت رهبر معظم انقلاب فتنه‌های زیادی وجود داشته و تاکنون نیز فتنه‌ها ادامه دارد و باید آگاهانه فتنه‌ها را شناخت و سربلند از آنها بیرون آمد. وی کرد: رمز پیروزی انقلاب اسلامی پایداری و مقاومت ملت ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود که امام راحل باطمینان می‌گفتند: «ما انقلاب اسلامی را به پیروزی می‌رسانیم و حکومت اسلامی تشکیل می‌دهیم و در ایران شاه را سرنگون می‌کنیم» و زمانی که شهید بهشتی به خدمت امام رسید، امام به جای لفظ حکومت اسلامی فرمودند: «جمهوری اسلامی و ما جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهیم».

یوسف مولایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ترامپ نمی‌خواهد مسیر مذاکره

با ایران را مسدود کند



خروج آمریکا از سوی حقوق بشر ضربه‌ای به این شورا است

تصمیمات ترامپ در مورد دیوان لاهه به ساختار آن آسیب می‌زند



آرمان ملی - احسان اسقایی: دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا تصمیمات زیادی در دو سه هفته گذشته اتخاذ کرده و عموماً با صدور فرمان اجرایی این تصمیمات را اجرایی کرده است. او در ارتباط با دیوان بین‌المللی لاهه تصمیماتی گرفته که موجب فشار بر جایگاه این دیوان می‌شود. از سوی دیگر او حتی اعلام کرده است که افرادی که در مورد کیفیت حکم این دیوان در ارتباط با نتایج‌ها نظر دهند از ورود به خاک ایالات متحده آمریکا منع خواهند شد و این‌تنها اقدام ترامپ نبوده است. او از شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز خارج شده و به تبع او اسرائیل نیز از این شورا خارج شد. تجربه نشان داده است چون آمریکا سهم خاصی از هزینه‌های سازمان‌های بین‌المللی را می‌پردازد اگر از پرداخت سهم تعیین‌شود به سازمان‌ها اجتناب کند آن سازمان‌ها نمی‌توانند آن‌گونه که باید و شاید در ارتباط با وظایف قانونی خود اقدام کنند. لذا هم تصمیم که ترامپ در ارتباط با دیوان

تصمیم ترامپ در ارتباط با دیوان بین‌المللی دادگستری را چگونه ارزیابی کرده و آیا این تصمیم می‌تواند به جایگاه دیوان صدمه‌ای وارد کند؟

دیوان بین‌المللی دادگستری و به طور کلی محاکم بین‌المللی در طول تاریخ تأسیس تاکنون از منظر حقوق خدمات زیادی به جامعه بشری داده است. نکته مهم این است که آمریکا عضو این نهاد حقوقی نیست و حتی دولت‌هایی که عضو هستند طبق منافع ملی خود در ارتباط با احکام این دادگاه تصمیم می‌گیرند. در نتیجه هر تصمیمی از سوی آمریکا می‌تواند بر آینده این دیوان موثر باشد. کشورهای دیگر نیز بر اساس نگاه آمریکا نسبت به احکام دیوان تصمیم می‌گیرند، چون نمی‌خواهند با این کشور درگیر شوند.

پس احتمالاً تصمیم ترامپ در اجرای حکم دیوان بین‌المللی دادگستری علیه نتانیاها اثر می‌گذارد؟

ترامپ عموماً با قوانین و خصوصاً حقوق بین‌الملل میانه خوبی ندارد. او از بیشتر سازمان‌ها و نهادها و شورا‌های بین‌المللی خارج شد. همان‌طور که در گذشته از موافقت نامه پاریس خارج شد. او با نگاه یک آمریکایی به حقوق بین‌المللی می‌نگرد و در حدی که این حقوق منافع آمریکا را تأمین کند، به آن توجه دارد. هر جا حقوق بین‌الملل و احکام بین‌المللی بر خلاف درک و فهم او و یا چنانکه گمان می‌کند برخلاف منافع آمریکا باشد، آن را کنار خواهد گذاشت.

ظاهراً ترامپ اعلام کرده هر کس بخواهد حکم دادگاه بین‌المللی لاهه را اجرا کند یا بر بخورد خواهد کرد. اگر اینطور باشد، این برخورد چگونه خواهد بود؟

بله؛ ترامپ اعلام کرده هر کشوری بخواهد این حکم را در ارتباط با نتانیاها اجرا کند مناسبات آمریکا را درباره آن کشور تغییر خواهد داد. این اظهارات پایه حقوقی ندارد، اما باید در نظر گرفت که آمریکا قدرت دارد و رئیس‌جمهور آمریکا با اتکا بر آن تصمیم می‌گیرد. در صورت موضع ترامپ از منظر حقوقی موضع درستی نیست و بسیاری هم در جهان با آن مخالفند اما ترامپ از موضع خود با حقوق بین‌الملل برخورد می‌کند.

اگر ترامپ به وعده‌های خود در ارتباط با این نهاد حقوقی بین‌المللی عمل کند، چه آثاری بر دادگاه‌های لاهه مرتب می‌شود؟

تصمیم ترامپ شدیداً می‌تواند بر موقعیت دیوان بین‌المللی لاهه اثر بگذارد. آمریکا از منظر حقوق بین‌الملل در موقعیتی است که اگر با هر سازمان و نهادی همکاری نکند، آن سازمان بین‌المللی نمی‌تواند اقدامات خود را به صورت کامل انجام دهد. بودجه نهاد‌های بین‌المللی از حق عضویت کشورها تأمین می‌شود. سهم آمریکا در بودجه این نهادها، سهمی جدی است و در کنار آن، تحریم‌های آمریکا از جمله مؤثرترین تحریم‌ها به شمار می‌رود. کشورها و نهاد‌هایی که در دام تحریم‌های آمریکا گرفتار می‌شوند، هزینه زیادی را می‌پردازند. بنابراین دولت‌ها و حتی شرکت‌ها و مؤسسات ترجیح می‌دهند که در دام تحریم‌های آمریکا گرفتار نشوند. برخی معتقدند که تحریم‌های یک جانبه و ثانویه آمریکا در سطح جهان اثرگذاری مهمی دارد و حتی این تحریم‌ها از تحریم‌های

به نظر می‌رسد نگاه ترامپ عقلانی و قدری مثبت‌تر از دور گذشته باشد، اما اینکه جامعه جهانی نسبت به فعالیت‌های صلح‌آمیز تهران متقاعد شود، نیازمند گفت‌وگوست

بین‌المللی لاهه گرفته است و هم تصمیمی که در ارتباط با شورای حقوق بشر سازمان ملل گرفته می‌تواند آسیبی بزرگی به جایگاه این دو نهاد در جهان باشد. از سوی دیگر دونالد ترامپ تصمیم دیگری هم در ارتباط با ایران گرفته است. تصمیم او در امضا یک یادداشت در ارتباط با فشار اقتصادی به ایران در شرایطی که همه در انتظار بودند او یا به مذاکره با ایران بی‌اندیشد و یا اینکه یک فرمان اجرایی در مورد ایران صادر کند وضعیت نامشخصی در ارتباط با کشورمان به وجود آورده است. «آرمان ملی» برای بررسی این موارد با یوسف مولایی کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است. مولایی اعتقاد دارد تصمیمات ترامپ به ساختار دیوان بین‌المللی لاهه و شورای حقوق بشر صدمه وارد می‌کند. او در ارتباط با ایران نیز معتقد است «ترامپ در اندیشه باز گذاشتن مسیر مذاکره با تهران در پرونده هسته‌ای است.» در ادامه این گفت‌وگورا می‌خوانید.

زد. در قانون اساسی آمریکا قوه مجریه صلاحیت و عمل و قدرت زیادی دارد به رغم اینکه نهاده‌ای دموکراتیک دیگر می‌توانند اختیارات این قوه را محدود کنند اما این محدودیت‌ها آن قدر نیست که رئیس‌جمهور نتواند از قدرت اجرایی خود استفاده نکند.

ترامپ اعلام کرده چندین فرمان اجرایی خواهد داد و در مورد ایران نیز موضع گرفت. چرا او در مورد ایران فرمان اجرایی نداد اما یک یادداشت در مورد فشار بر ایران امضا کرد؟

به نظر من امکان دارد ترامپ مشکلات داخلی داشته باشد. ممکن است هیات دولت هنوز در آمریکا تشکیل نشده باشد و اعتبارنامه‌های لازم هنوز به امضا نرسیده باشد. اما این مهم نیست که او یادداشت علیه ایران صادر کرده است یا فرمان اجرایی داده، مهم این است که در مرحله اجرا چه خواهد شد. کیفیت بخشنامه و یادداشت مهم است و این مورد به قدرت آمریکا در سطح جهان باز می‌گردد. البته امکان دارد ترامپ فعلاً ملاحظاتی را در ارتباط با ایران داشته باشد و قصد نداشته باشد مسیر مذاکرات را کاملاً مسدود کند. او شاید فعلاً نمی‌خواهد درهای مذاکره را ببندد و امید دارد که مسیر مذاکره در ارتباط با ایران باز شود. از این‌رو فعلاً برخورد نرم را در ارتباط با ایران در نظر دارد و فعلاً برخورد سخت در دستور کار او نیست.

احتمال اینکه او به سمت مذاکره با ایران گرایش داشته باشد تا تحریر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ظاهراً او اعلام کرده که ایران باید ثابت کند که دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست؟

نگاه ترامپ در مقایسه با گذشته در مورد ایران تا حدودی تعدیل شده و به نظر می‌رسد نگاه ترامپ عقلانی و قدری مثبت‌تر از در گذشته باشد. اما اینکه جامعه جهانی نسبت به فعالیت‌های صلح‌آمیز تهران متقاعد شود، نیازمند گفت‌وگوست. در تمام قطعنامه‌هایی که در شورای امنیت علیه ایران صادر شده بود، همین مورد ترجیح‌پند همه آن قطعنامه‌ها بوده است. درست است که جامعه جهانی دنبال آن است که نسبت به فعالیت‌های ایران آگاهی داشته باشد اما در عین حال مهم است که با چه مکانیزم‌هایی می‌خواهد به این آگاهی برسد. کشورهای جهان عموماً از طریق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و با اجرای پروتکل‌های الحاقی این مورد را دنبال می‌کرده‌اند. یعنی از طریق بازرسی‌های سرزده از هر گوشه‌ای که آن‌ها در نظر دارند. دوربین‌های آژانس هم برای همین نصب می‌شود. با همه اینها رسیدن به اطمینان از لحاظ فنی مسائلی دارد که واکنش کشورها را به دنبال می‌آورد.

آمریکاه‌ها برای فشار بر دیگر کشورها مبنای نظر خود را بر قطعنامه‌های این شورا می‌گذاشت، اما با تصمیم اخیر ترامپ، آمریکا می‌تواند از اهرم حقوق بشر برای فشار بر کشورهای دیگر استفاده کند؟

ترامپ البته می‌تواند با ابزار و روش خود در ارتباط با وضعیت حقوق بشر در کشورهای مختلف بیانیه صادر کند و یا اعلامیه بدهد اما از منظر استفاده از روش سیستماتیک خواسته‌های خود را پیگیری نخواهد کرد. ترامپ در این ۴ سال روی خوشی به این سازمان‌ها نشان نخواهد داد. نکته جالب این است که روش حکمرانی ترامپ با اصول دموکراسی آمریکایی همخوانی ندارد. ترامپ بیشتر گرایش به سلطنت دارد. او حتی به قانون اساسی آمریکا نیز چندان پایبند نیست. وی بیشتر با اتکا بر قدرت آمریکا تصمیم می‌گیرد چه این تصمیمات با نظم جهانی و حقوق بین‌الملل سازگار باشد یا نباشد.

در کتاب‌های حقوق اساسی که عموماً حقوق و قوانین آمریکایی را هم مورد بررسی قرار می‌دهد آورده شده که آن قدر قدرت جامعه حقوقی در آمریکا بالاست که می‌توان حکومت آمریکا را به حکومت قضات تشبیه کرد. این تصمیمات ترامپ تا چه اندازه بر ساختار حقوقی و منسجم این کشور اثر می‌گذارد؟

مسئله این تصمیمات باعث تزلزل و کاهش اعتبار آمریکا خواهد شد. این تصمیم جایگاه حقوقی آمریکا را در جامعه جهانی کاهش می‌دهد. اگر ترامپ در دیوان عالی آمریکا اکثریت قضات را همراه داشته باشد می‌تواند هر کاری را انجام دهد اگر در این نهاد علیه ترامپ موضع گرفته نشود او حتی می‌تواند فراتر از داده‌های حقوقی در آمریکا عمل کند. سیستم حقوقی آمریکا پیچیدگی خاص خود را دارد و به راحتی نمی‌توان در مورد ابعاد این سیستم حرف

دیپلماسی یا فشار حداکثری کدام راهبرد؟

با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، رویکرد واشنگتن در قبال ایران بار دیگر به محور منازعات داخلی و راهبردی ایالات متحده تبدیل شده است. در این میان، دو روایت اصلی در سیاست آمریکا در قبال ایران شکل گرفته است. روایت نخست که مورد حمایت جریان‌های ضدایرانی و نهاد‌های امنیتی آمریکا است، بر این ادعا استوار است که دیپلماسی با ایران شکست خورده و تهران از مذاکرات تنها به عنوان ابزاری برای وقت‌کشی و پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای خود استفاده می‌کند. در نتیجه، آمریکا باید سیاست فشار حداکثری را از سر گیرد و حتی گزینه نظامی را برای مهار برنامه هسته‌ای ایران مدنظر داشته باشد. در مقابل، روایت دوم، که از سوی برخی تحلیلگران و مقامات واقع‌گرای آمریکایی مطرح می‌شود، بر این باور است که ایران همچنان از توان بازدارندگی بالایی برخوردار است و اقدام نظامی، نه تنها برنامه هسته‌ای ایران را متوقف نخواهد کرد، بلکه تهران را به عبور از آستانه هسته‌ای سوق خواهد داد. این دسته از تحلیلگران بر اهمیت دیپلماسی، هرچند همراه با فشار‌های هوشمندانه تأکید دارند و معتقدند که مسیر تعامل و مذاکره همچنان بهترین راه برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران است.

میل جریان‌های ضدایرانی

در بحث روابط ایران و ایالات متحده، یکی از مهم‌ترین مسائل، نگرش جریان‌اندیشکده‌های ضدایرانی و تلاش آنها برای شکل دهی به سیاست‌های واشنگتن در قبال تهران است. این گروه که در میان جناح‌های تندرو جمهوری خواه، نهاد‌های امنیتی و لابی‌های ضدایرانی نفوذ گسترده‌ای دارند، با هرگونه تعامل دیپلماتیک مخالف‌اند و هدف اصلی خود را جلوگیری از هرگونه نزدیکی میان تهران و واشنگتن قرار داده‌اند. آنها با بهره‌گیری از ابزار‌های رسانه‌ای، نفوذ در کنگره و تأثیرگذاری بر دستگاه دیپلماسی، سعی دارند هرگونه تلاش برای کاهش تنش را بی‌ثمر جلوه دهند و دولت‌ها را به اتخاذ مواضع سخت‌گیرانه‌تر سوق دهند. جریان‌های ضدایرانی در آمریکا، به ویژه پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، موج رسانه‌ای گسترده‌ای را برای تشدید فشار بر ایران و جلوگیری از هرگونه تعامل دیپلماتیک با تهران به راه انداخته‌اند. این جریان‌ها با برجسته‌سازی برخی روایت‌های خاص که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم، تلاش می‌کنند اجماع داخلی و بین‌المللی علیه ایران را تقویت کنند و دولت ترامپ را به سمت سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر سوق دهد. روایت‌هایی که این جریان‌ها آنها را برجسته می‌کنند، این چنین است: روایت نخست: دیپلماسی با ایران شکست خورده و ایران به دنبال وقت تلف کردن است. روایت دوم: افزایش قابل ملاحظه توانمندی هسته‌ای ایران و کاهش زمان گریز هسته‌ای. این روایت بر این تأکید دارد که در دوران اجرای برجام، زمان گریز هسته‌ای ایران نزدیک به یک سال بود، اما اکنون این بازه زمانی به شدت کاهش یافته است. روایت سوم: نزدیک شدن به پایان مکانیزم بازگشت تحریم‌های سازمان ملل (اسنپ‌بک). روایت چهارم: کوچک‌نمایی توان تلافی جوی ایران. آنها ادعا می‌کنند که پس از حمله اسرائیل به حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ایران در شرایط ضعف قرار دارد و فاقد توانایی لازم برای واکنش جدی به اقدامات اسرائیل و آمریکا است. جریان‌های ضدایرانی در آمریکا، علاوه بر ترویج روایت شکست دیپلماسی، بر ضرورت همکاری عمیق‌تر با اسرائیل و ارائه تسلیحات پیشرفته به این همکاری تأکید دارند. این گروه‌ها قصد دارند توجیهی در کنگره و نهاد‌های امنیتی آمریکا دارند. معتقدند که هرگونه تعامل با ایران بی‌نتیجه است و تنها راه مهار تهران، افزایش حمایت از تل آویو و تشدید اقدامات نظامی علیه ایران است. این جریان‌ها واشنگتن را به ارسال تسلیحات پیشرفته‌تر از جمله بمب‌های سنگرشکن و سامانه‌های دفاعی پیچیده‌تر به اسرائیل ترغیب می‌کنند. آنها همچنین خواستار افزایش تبادل اطلاعات امنیتی و توسعه همکاری‌های عملیاتی برای مقابله با ایران هستند. برخی از محافل را دیکنال تراز جمله چهره‌های وابسته به جناح راست جمهوری خواه، بر این باورند که آمریکا باید به‌طور مستقیم در عملیات‌های نظامی علیه تأسیسات تولید انرژی ایران مشارکت کند. آنها استدلال می‌کنند که حملات اسرائیل به‌تنهایی نمی‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند و تنها با ورود مستقیم آمریکا می‌توان آسیب جدی به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران وارد کرد.

آمریکا و توان نظامی ایران

در برابر روایت‌هایی که ایران را در موضع ضعف و آسیب‌پذیری تصویر می‌کنند، یک بخشی از جریان فکری آمریکا معتقدند که جمهوری اسلامی همچنان از ظرفیت‌های مهمی برخوردار است که می‌تواند به عنوان ابزار بازدارندگی در برابر فشار‌های خارجی مورد استفاده قرار گیرد. «نیسان رفعتی»، کارشناس ارشد گروه بین‌المللی بحران معتقد است: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ناوگان موشکی، پهپادها و حضور دریایی ایران در خلیج فارس همچنان برقرار است و نباید نادیده گرفته شود. این قدرت‌های نظامی باعث می‌شوند که ایران توانایی بالقوه‌ای برای دفاع از خود داشته باشد. اوایل ژانویه، ایران رمزآمیزهای نظامی گسترده‌ای را برگزار کرد که نشان دهنده این بود که ایران هنوز می‌تواند قدرت خود را به رخ بکشد». گریگوری برتولیلگر ارشد نشریه آمریکایی «فارن پلیسی» معتقد است: «ایران بی‌قدرت نیست و همچنان در منطقه به خصوص در بین و عراق حامیانی دارد. رمزآمیز ایران با هدف ارسال یک پیام واضح به دشمنان انجام شد ما یک نیروی نظامی بزرگ داریم. ما یک کشور بزرگ هستیم. شاید درخشان‌ترین تجهیزات را نداشته باشیم، اما منابع گسترده‌ای در اختیار داریم. نیروی انسانی زیادی داریم و رویکردی دفاعی اتخاذ کرده‌ایم. ما موشک‌هایی در شهرهای زیرزمینی داریم که از بمباران‌ها در امان هستند. ما یک برنامه هسته‌ای داریم که توسط سامانه‌های دفاع هوایی محافظت می‌شود. ما یک دژ مستحکم هستیم و اگر به ما حمله کنید، عواقب آن خواهد بود». تحلیلگران این جریان معتقدند که حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، اگرچه ممکن است برنامه تهران را برای مدتی به تأخیر بیندازد، اما پیام‌های ناخواسته‌ای خواهد داشت. ایران در صورت هدف قرار گرفتن تأسیسات هسته‌ای خود، ممکن است این حمله را دلیلی برای کنار گذاشتن سیاست «آستانه هسته‌ای» و حرکت به سمت تسلیحات هسته‌ای بداند.